

«مراسم یادبود دکتر حسن شعبانی»

☐ خانه اندیشمندان علوم انسانی

☐ سوم خرداد ۱۴۰۲

✍️ روایتی زیباشناسانه از منش معلمی دکتر حسن شعبانی

▼ کلاس‌های درس ما نوعاً از طنز و شوخ طبعی تهی است. این یکی از وجوهی است که برای توضیح پدیده برهوت نوآوری در آموزشگری دانشگاهی می‌توان به آن توجه داد. قصه پر غصه برهوت این است که آموزش‌ها نوعاً از خلاقیت و نوآوری بهره‌ای نبرده و یکی از ابعاد آن، بی‌بهره بودن از طنز و شیرینی کلام است. مثل این‌که در تصور سنتی ما از آموزش اکادمیک اصل "هرچه تلخ‌تر و عبوس‌تر بهتر" حاکم است!!!

▼ طنز و شیرین سخنی استاد یک هنر است و در قاب پارادایم "تدریس هنرمندانه" جا می‌گیرد. یعنی قابی که معلم را به عاملیت و سوژگی خاصی فرامی‌خواند.

▼ جالب و البته موجب تعجب و تاسف است که برخی استادان تدریس شناس! تدریس هنرمندانه را به باد نقد می‌گیرند چون معتقدند از آن فقط دعوت به خوشمزگی یا لودگی شنیده می‌شود و جز این معنای دیگری ندارد! و ادامه نیز می‌دهند که در عوض تدریس باید بر مبنای "قواعد متقن برگرفته از نظریه و پژوهش" انتظام یابد. کاملاً علمی و الگوریتمیک و رها از اقتضائات بافت و موقعیت پداگوژیک بشود تا وجاهت پیدا بکند و به‌عنوان یک حوزه اکادمیک قابل معرفی و نشر باشد. به عبارت دیگر با پوشاندن ردای علمی بر قامت تدریس، متخصصان این حوزه با اتخاذ تصمیم‌های اصطلاحاً "منطبق بر کتاب"، از احساس حقارت و صغارت در برابر رشته‌ها و تخصص‌های دیگر مانند پزشکی خود را رهایی بخشند!

▼ باید به این دسته از استادان گفت که تدریس هنرمندانه دلالت، منطق و معنای دیگری دارد. در این پارادایم اتفاقاً به‌دلیل باور به پیچیدگی مضاعف فرایند یاددهی یادگیری است مداخله‌های بالبداهه و شجاعت عدول از قواعد و الگوریتم‌ها فرازمانی و فراخوانی با اتکاء و اعتماد به ظرفیت تفسیر و تأمل معلم و جاهت و موضوعیت پیدا می‌کند. یعنی پیش‌فرض اساسی تدریس هنرمندانه این است که پدیده مورد بحث در اعلی مرتبه ظرافت و پیچیدگی قرار دارد (حتی نسبت به پزشکی) و لذا قابل تحویل و تقلیل به مجموعه‌ای از قواعد و الگوریتم‌های مندرج در کتاب‌ها یا هندبوک‌ها و دستورالعمل‌ها نیست. تدریس الگوریتمی و بدون فاعلیت و عاملیت معلم، تدریس

رباطیک است و از خلق ارزش مورد انتظار یا همان تسهیل‌گری برای تربیت به معنای واقعی کلمه عاجز است. (گرچه شاید با هوش مصنوعی نسل جدید ربات‌ها هم بتوانند به معنای مصطلح رباتیک عمل نکنند!)


▼ تدریس هنرمندانه می‌خواهد بگوید این فرایند را به چیزی فراتر از قواعد و الگوریتم‌ها، که در جای خود محترم‌ان و می‌توانند کاتالیزور تدریس اثربخش باشند، نیازمند است. برای استاد ملتزم به تدریس هنرمندانه قواعد برخاسته از پژوهش‌های میدانی گرچه خوب و مفید هستند، اما "حجت معلمی" نیستند. آموزش موثر و موفق لاجرم خلاقیت و بالبداهگی در اشکال گوناگون را طلب می‌کند. به ما می‌فهماند که بکار بستن رویه‌های تجویزی به نام قاعده علمی تدریس و احساس دست‌وپا بسته بودن معلم در برابر آن‌ها، کسالت بار و در نتیجه زائل کننده شوق یادگیری است. همچنان که غالب کلاس‌های دانشگاهی ما کسالت بار هستند. پس تدریس هنرمندانه را به خوشمزگی (به معنای لودگی و دلچک بازی در کلاس و فرایند تدریس) فروکاستن عین کج‌فهمی نسبت به حقیقت آن است.

▼ تاکید می‌کنم که تدریس گرم و اصطلاحاً خوشمزه تنها یکی از وجوه یا دلالت‌های تدریس هنرمندانه است، اما برخورداری تدریس از همین تک ویژگی، آشکارا بر تدریس سرد و بیمزه ترجیح مطلق دارد. چون برای مخاطب شوق انگیز و لذت‌بخش است.

▼ اما، ابعاد دیگری هم بر تدریس هنرمندانه بار می‌شود که از جمله در تبیین ایزرن آمده (۴ وجه) و من هم وجه پنجمی با عنوان "ادراک متخیلانه از موقعیت" به آن اضافه کرده‌ام... طنز و شوخ طبعی جلوه‌ای از بعد دوم تدریس هنرمندانه به روایت ایزرن است که من نام این بعد را "شم معلمی" گذاشته‌ام و می‌توان آن را رفتار منبعت از "قضاوت کیفی" مستمر و دم‌به‌دم معلم برای تغییر "حال کلاس در حال/در لحظه" معرفی کرد. کلید فهم درست پارادایم تدریس هنرمندانه با ابعاد ۴ یا ۵ گانه آن هم همانطور که می‌شود حدس زد، عاملیت، خلاقیت و نوآوری و تسلیم نبودن در برابر قواعد، عرف و کلیشه‌ها در روش است که وجهی از آن "شم معلمی" است و جلوه‌ای از "شم معلمی" هم شیرین‌سخنی و شوخ طبعی و بقول معروف "ادخال سرور" است.

▼ بخشی از این توانایی، اکتسابی و آموختنی هم هست و در تربیت معلم باید به آن توجه کنیم... بخش "کوششی" در مقابل بخش "جوششی"... در طراحی‌های آموزشی باید به آموزش چگونگی عجین کردن آموزش با طنز و شوخ طبعی توجه کرد. به معلمان و استادان باید آموزش داد تا بخش کوششی یا اکتسابی آن تحقق پیدا کند.

▼ دکتر حسن شعبانی از این نظر در حد عالی توانایی بود... با تکثیر امثال او از برهوت آموزشگری در آموزش عالی رفته رفته فاصله می گیریم و این عرصه حیاتی به عرصه ای شاداب و سرسبز، دل پذیر و در نتیجه شوق انگیز برای یادگیرندگان تبدیل می شود. این میراث زیست حرفه ای دکتر شعبانی است. باید ان را پاس بداریم و قدر بدانیم.

روحش شاد و آرامش ابدی همراه حیات اخروی او باد. انشاءالله 
محمود مهرمحمدی 